



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۸۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

بحث ادله شرعی غیر لفظی را با بررسی نحوه دلالت فعل معصوم بر حکم شرعی آغاز نمودیم. بیان شد که به طور کلی، دلالت سکوت بر امضا، با دو تقریر عقلی و یک استدلال استظهاری قابل تبیین است. پس از آن توضیح داده شد که سکوت معصوم در قبال رفتار دیگران بر دو قسم است؛ سکوت در مواجهه با سلوک فردی معین و سکوت در مواجهه با یک سلوک و سیره اجتماعی.

آنچه که در این درس، به عنوان آخرین بحث در مورد ادله غیر شرعی ارائه می‌شود، ادامه بحث در زمینه سکوت معصوم در قبال سیره عقلاست. می‌توان گفت مطالب پیش‌رو، تقسیم دیگری از سکوت معصوم ارائه می‌دهد و آن را به دو گونه سکوت در عصر حضور ظاهری و سکوت در عصر غیبت تقسیم می‌کند. در پایان درس، اشاره‌ای به استدلال برخی دیگر از علمای اصول در مورد نحوه دلالت سکوت معصوم بر امضا می‌شود که این استدلال، مورد پذیرش مرحوم شهید صدر (ره) واقع نمی‌گردد.

## متن درس

[ السيرة .... امكن الاستدلال بالسيرة العقلائية عن طريق استكشاف الامضاء من سكوت المعصوم .... ]

و على ضوء ما ذكرناه نعرف ان ما يمكن الاستدلال به على إثبات حكم شرعى هو السيرة المعاصرة للمعصومين، لأنها هي التي ينعقد لسكوت المعصوم عنها ظهور فى الإمضاء دون السيرة المتأخرة. و قد يتوهم ان السيرة المتأخرة معاصرة أيضا للمعصوم، و ان كان غائبا فيدل سكوته عنها على إمضائه، و ليست لدينا سيرة غير معاصرة عليه للمعصوم. و الجواب على هذا التوهم: ان سكوت المعصوم فى غيبته لا يدل على إمضائه لا على أساس العقل و لا على أساس استظهارى، اما الأول فلأنه غير مكلف فى حال الغيبة بالنهاى عن المنكر و تعليم الجاهل، و ليس الغرض بدرجة من الفعلية تستوجب الحفاظ عليه بغير الطريق الطبيعى الذى سبب الناس أنفسهم إلى سده بالتسبيب إلى غيبته. و اما الثانى فلان الاستظهار مناطه حال المعصوم، و من الواضح ان حال الغيبة لا يساعد على استظهار الإمضاء من السكوت. و على هذا يعرف ان كشف السيرة العقلائية عن إمضاء الشارع، انما هو بملاك دلالة السكوت عنها على الإمضاء لا بملاك ان الشارع سيد العقلاء و طليعتهم، فما يصدق عليهم يصدق عليه كما يظهر من بعض الأصوليين، و ذلك لأن كونه كذلك بنفسه يوجب احتمال تميزه عنهم فى بعض المواقف، و تخطئته لهم فى غير ما يرجع إلى المدركات السليمة الفطرية لعقولهم كما هو واضح.

## معتبر نبودن سیره‌های عصر غیبت

چنان‌که در ابتدای بحث سیره نیز مطرح شد، دلالت سکوت معصوم بر امضا، در صورتی است که ایشان با یک فعل معین فردی یا اجتماعی، مواجه شود. با توجه به این نکته روشن می‌شود که اعتبار سیره عقلاً مشروط به این است که در زمان حضور معصوم و معاصر با ایشان واقع شده باشد. بنابراین سیره‌های متأخر از عصر حضور معصومین(ع) هیچ گونه اعتباری ندارد؛ چرا که اساساً امام معصوم، مواجه با چنین سیره‌هایی نشده تا در صورت لزوم، نسبت به آنها موضع‌گیری کند.

## توهم اعتبار سیره‌ها در عصر غیبت

معصوم، از صدر اسلام، تاکنون وجود داشته است؛ با این تفاوت که در زمان ما، معصوم در غیبت به سر می‌برد. بنابراین سیره‌هایی که در عصر غیبت شکل گرفته‌اند نیز در زمان معصوم واقع شده‌اند. پس می‌توان سکوت معصوم و عدم اعتراض او را دلیل بر رضایت دانست.

## تطبیق

و علی ضوء ما ذکرناه نعرف ان ما يمكن الاستدلال به علی إثبات حکم شرعی هو السيرة المعاصرة للمعصومين، با توجه به آنچه که ذکر شد در می‌یابیم که: سیره‌هایی قابلیت دارند تا با استدلال به آنها حکم شرعی ثابت شود که در عصر حضور ظاهری معصومین شکل گرفته باشند.

لأنها<sup>۱</sup> هي التي ينعقد لسكوت المعصوم عنها ظهور<sup>۲</sup> في الإمضاء دون السيرة المتأخرة.

چرا که فقط سیره‌های معاصر معصومین است که به سبب سکوت معصوم (در مواجهه با آنها) برای آنها ظهور در امضا منعقد می‌گردد؛ به خلاف سیره‌های متأخر (از عصر حضور که چنین ظهوری در مورد آنها شکل نمی‌گیرد). و قد يتوهم ان السيرة المتأخرة معاصرة أيضا للمعصوم، و ان كان غائباً

ممکن است توهم شود که حتی سیره‌های متأخر از عصر حضور نیز، هم زمان و عم عصر با معصوم است؛ هر چند که ایشان غائب است.

فیدل سکوتها عنها علی إمضاءه<sup>۳</sup>، و لیست لدینا سيرة غير معاصرة عليه للمعصوم.

(ادامه اشکال:) پس سکوت معصوم غائب در مورد سیره‌های عقلاً در عصر غیبت، دلالت بر تأیید معصوم دارد، و هیچ سیره‌ای غیر معاصر با معصوم نیست.

## پاسخ به توهم مطرح شده

<sup>۱</sup>. مرجع ضمیر: السيرة المعاصرة للمعصومين.

<sup>۲</sup>. فاعل «ینعقد».

<sup>۳</sup>. یعنی: فیدل سکوت المعصوم عن السيرة المتأخرة علی امضاء المعصوم.

به هیچ وجه نمی‌توان سکوت معصوم غائب را دال بر رضایت او دانست؛ زیرا در مباحث قبلی<sup>۱</sup>، برای دلالت سکوت بر امضا، دو اساس عقلی و استظهاری مطرح شد که طبق هیچ‌یک از آن دو، سکوت امام غائب دلالت بر رضایتش ندارد. توضیح اینکه:

اساس عقلی به دو شکل تبیین شد. در تبیین نخست عقلی، امام به عنوان مکلفی معصوم لحاظ شده که هیچ گاه در انجام وظایفی نظیر نهی از منکر و ارشاد جاهل کوتاهی نمی‌کند. این لحاظ، بر امام غائب قابل انطباق نیست؛ چرا که در زمان غیبت، امام نه وظیفه نهی از منکر دارد و نه ارشاد جاهل.

در تبیین دوم عقلی، امام به عنوان شارعی هدف‌مند در نظر گرفته شد. این لحاظ نیز با امام غائب تطابق ندارد؛ زیرا در زمان غیبت، بسیاری از اغراض شرعی، فعلیت خود را از دست می‌دهند. لذا ترتیب اثر ندادن به اغراض غیر فعلی، نقض غرض محسوب نمی‌شود و هیچ لزومی ندارد که امام غائب از طرق غیر طبیعی و نامتعارف، موضع خود را نسبت به سیره‌های متأخر بیان نماید.

دلالت سکوت بر امضا، بر اساس ظهور حال نیز نسبت به امام در عصر غیبت، منتفی است. اساساً غیبت امام، مانع می‌گردد تا ظهور حال را در مورد ایشان به دست آوریم و آن را دال بر امضا بدانیم. بنابراین، توهم مزبور باطل است و سکوت معصوم در زمان غیبت معصوم، دلالتی بر امضا ندارد.

### تطبیق

و الجواب علی هذا التوهم: ان سکوت المعصوم فی غیبتة لا يدل علی إمضائه لا علی أساس العقل و لا علی أساس استظهاری،

پاسخ به توهم این است که: سکوت معصوم در زمان غیبتش دلالت بر تأیید او ندارد؛ نه بر اساس استدلال عقلی و نه بر اساس ظهور گیری (از حال معصوم).

اما الأول فلائنه غیر مکلف فی حال الغیبة بالنهی عن المنکر و تعلیم الجاهل،

بر اساس عقل (سکوت امام غائب، دال بر رضایت نیست)؛ چرا که امام در زمان غیبتش، مکلف به نهی از منکر و ارشاد جاهل نمی‌باشد. (تبیین عقلی اول).

و لیس الغرض بدرجة من الفعلية تستوجب<sup>۲</sup> الحفاظ علیه<sup>۳</sup> بغير الطريق الطبيعي

هم‌چنین غرض شرعی امام (در زمان غیبت) به درجه‌ای از فعلیت نمی‌رسد که مستوجب محافظت از آن غرض، از غیر راه‌های متعارف باشد (تبیین عقلی دوم).

الذی<sup>۴</sup> سبب الناس أنفسهم إلی سده<sup>۵</sup> بالتسبیب<sup>۱</sup> إلی غیبتة.

۱. رک: درس ۸۱

۲. مرجع ضمیر فاعلی: درجه.

۳. مرجع ضمیر: الغرض.

۴. صفت «الطریق الطبيعي».

۵. مرجع ضمیر: الطريق الطبيعي.

که خود مردم سبب شده‌اند تا این طریق طبیعی مسدود شود؛ به خاطر اینکه مردم باعث غیبت امام شده‌اند. و اما الثانی فلان الاستظهار مناطه حال المعصوم، و من الواضح ان حال الغیبة لا يساعد علی استظهار الإمضاء من السکوت.

اما بر اساس استظهار (نیز سکوت امام غائب دلالت بر رضایت ندارد؛) زیرا ملاک ظهورگیری، وضعیت معصوم است، و روشن است که حالت غیبت به گونه‌ای است که نمی‌توان از سکوت امام غائب ظهورگیری کرد که ایشان رضایت دارد.

Sco1: ۱۳:۴۱

### ملاک حجیت سیره عقلا

چنان‌که پیش از این نیز تذکر داده شد، سیره عقلا به خودی خود، اعتبار و ارزش شرعی ندارد و قابل استفاده در استنباطات شرعی نمی‌باشد؛ بلکه باید به نحوی منتهی به نظر و تأیید معصوم شود. بر این اساس، برای کشف امضای معصوم بر سیره عقلا دو دیدگاه مطرح شده است: دیدگاه اول، همان نظر شهید صدر (ره) است که تلاش کرد از طریق دلالت سکوت معصوم در مواجهه با سیره عقلا بر امضا و تأیید، حجیت سیره عقلانی را به اثبات برساند. دیدگاه دیگر، از اصولیونی مانند مرحوم محقق اصفهانی (ره) و مرحوم علامه محمد رضا مظفر (ره) مطرح شده است.

طبق نظر ایشان، معصوم، یکی از عقلا، بلکه رئیس و سید العقلا می‌باشد؛ پس هر آنچه که میان عقلا به شکل بناء و سیره در آمده، منطبق با رفتار معصوم هم می‌باشد. بنابراین اگر معصوم در مواردی سیره عقلا را قبول ندارد لازم است که از آن سیره، ردع و منع کند و لذا سکوت او دلالت بر تأیید و رضایت او دارد.<sup>۲</sup>

### تطبیق

و علی هذا<sup>۳</sup> يعرف ان كشف السيرة العقلانية عن إمضاء الشارع، انما هو بملاک دلالة السکوت عنها<sup>۴</sup> علی الإمضاء بنابر آنچه که بیان شد فهمیده می‌شود که کاشف بودن سیره عقلانی از تأیید شارع، تنها به این دلیل است که سکوت معصوم در قبال سیره دلالت بر امضای او دارد.

لا بملاک ان الشارع سید العقلاء و<sup>۵</sup> طلیعتهم، فما یصدق علیهم یصدق علیه كما یظهر<sup>۶</sup> من بعض الأصولیین،

<sup>۱</sup>. متعلق: سبب.

<sup>۲</sup>. ر.ک: علامه محمد رضا مظفر، اصول الفقه، الباب السابع، ص ۵۱۳-۵۱۵.

<sup>۳</sup>. مشارالیه: الاستدلال بالسيرة العقلانية عن طریق استکشاف الامضاء من سکوت المعصوم.

<sup>۴</sup>. متعلق: السکوت؛ مرجع ضمیر: السيرة.

<sup>۵</sup>. عطف تفسیری.

<sup>۶</sup>. مرجع ضمیر فاعلی: ملاک کون الشارع سید العقلاء....

نه به این دلیل که معصوم، سید عقلا و سرآمد آنان است، پس هر سیره‌ای که بر عقلا صدق می‌کند (و از نظر آنها صحیح است) بر معصوم نیز صدق می‌کند (و مورد تأیید اوست؛ مگر اینکه از سیره خاصی ردع کند)؛ همان طور که این ملاک توسط برخی اصولیین اظهار شده است.

Sco۲:۲۰:۴۷

### اشکال مصنف به دیدگاه محقق اصفهانی و علامه مظفر

از نظر شهید صدر، ایجاد پشتوانه امضایی برای سیره عقلا، از طریق سید العقلا دانستن معصوم صحیح نیست؛ زیرا هنگامی که معصوم را سید و رئیس عقلا بدانیم بالتبع عقل او را در مرتبه‌ای بالاتر از عقول مردم دانسته‌ایم، به این معنا که عقل معصوم، یک عقل فطری سلیم و خالی از اوهام و خیالات است که هیچ گاه تحت تأثیر شهوات و خواسته‌های نفسانی قرار نمی‌گیرد، اما عقل سایر عقلا عقلی مشوب یا اوهام و خیالات و گاه تحت تأثیر خواسته‌ها و امیال است. در نتیجه این مشکل پیش خواهد آمد که در برخی موارد، مدرکات عقول عقلا با مدرک عقل معصوم منافات پیدا می‌کند؛ مثلاً عقلا ربا را امری صحیح و منطقی می‌دانند، در حالی که معصوم به شدت با آن مخالفت می‌کند که نشان می‌دهد نتایج عقل خالی از اوهام، همواره منطبق با عقول عقلا نیست.

بنابراین، در تمام سیره‌های عقلانی، کشف امضا از طریق سید العقلا دانستن معصوم، این احتمال را ایجاد می‌کند که این سیره منطبق با نظر و رضایت معصوم نباشد؛ چون عقل او فراتر از عقول عادی سایر عقلاست. این نحوه از استدلال تنها در صورتی با اشکال فوق الذکر مواجه نمی‌شود که معصوم را یکی از عقلا بدانیم، نه رئیس عقلا. در این صورت هر آنچه که به عنوان سیره عقلا پذیرفته شود، به طور مسلم مورد رضایت معصوم هم خواهد بود؛ در حالی که چنین فرضی پذیرفته نیست و عقل معصوم در حدی فراتر از سایر عقلا می‌باشد.

### تطبیق

و ذلک<sup>۱</sup> لأن کونه<sup>۲</sup> کذلک<sup>۳</sup> بنفسه یوجب احتمال تمیّزه عنهم فی بعض المواقف،

این مطلب (که تنها راه صحیح در کشف امضای معصوم، استناد به سکوت است) به این دلیل است که صرف اینکه معصوم، به عنوان سید العقلا لحاظ شود موجب می‌گردد که در برخی موارد، احتمال داده شود که موضع معصوم با موضع عقلا متفاوت باشد.

و تخطّئته<sup>۴</sup> لهم فی غیر ما<sup>۵</sup> یرجع إلى المدرکات السلیمة الفطریة لعقولهم کما هو واضح.

<sup>۱</sup> . مشارالیه: ان کشف السیره العقلانیة عن امضاء الشارع انما هو بملاک دلالة السکوت عنها علی الامضاء.

<sup>۲</sup> . مرجع ضمیر: المعصوم.

<sup>۳</sup> . مشارالیه: سید العقلا.

<sup>۴</sup> . معطوف علیه: «احتمال» یا «تمیّز»، در صورت اول، منصوب و در صورت دوم، مجرور خواهد بود.

<sup>۵</sup> . یعنی: سیره‌هایی که.

و موجب می‌شود که معصوم، در سیره‌هایی که به ادراکات سلیم فطری عقلا بر نمی‌گردد، ایشان را بر خطا بشمارد؛ چنان که این مطلب واضح است (و عملاً نیز در مسائلی نظیر ربا و قیاس، اتفاق افتاده است).

Scor: ۲۸:۵۱



## چکیده

۱. سیره‌های متأخر از عصر حضور معصومین (ع) اعتباری ندارد؛ چون معصوم با آنها مواجه نشده است تا در صورت لزوم موضع‌گیری کند.
۲. بر اساس عقلی و نیز بر اساس استظهاری، سکوت معصوم غائب، دلالت بر رضایت او ندارد؛ چرا که:
  - اولاً: نهی از منکر و تعلیم جاهل بر او واجب نیست؛
  - ثانیاً: اغراض شرعی معصوم در زمان غیبت، فعلی نیستند؛
  - ثالثاً: در حال غیبت، نمی‌توان اثبات کرد که سکوت معصوم، ظهور در امضا دارد.
۳. برخی اصولیون حجیت سیره عقلا را این گونه تبیین کرده‌اند که: معصوم یکی از عقلا، بلکه سیدالعقلا است. بنابراین سیره عقلا منطبق با رفتار و سلوک معصوم می‌باشد و در صورت سکوت معصوم، امضای او دلالت بر تأیید می‌کند. اما این استدلال مورد پذیرش شهید صدر (ره) نمی‌باشد.